

هو الله - ترانی یا إلهی مکجا بوجهی علی التراب صعقا...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (64) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد 1، صفحه 256

هو الله

ترانی یا إلهی مکجا بوجهی علی التراب صعقا من تجلی الانوار مندهشا من مشاهدة الآثار مغمی علیه من اشتداد الفتن المتراکمة من کل الاشطار متدلا منکسرا الی ملکوت الأسرار متأجج الضلوع و الاحشاء من النار الموقدة فی بقعة الأنوار مع ذلک انسانی نفسی و روحی و شوونی بما شغفونی حبا للأبرار و امتلا قلبي و سرى فی عروقی حب الأخیار سریان الروح فی العروق و الشریان و أناجیک فی جنح اللیالی و خلال النهار و بجوحة الغدو و الآصال و ارجوک ان تمدهم بامداداتک الفاتقة و عنایتک السابقة و موهبتک اللاحقة و تنبت الأباهر و القوادم فی أجنحتهم النسیله حتی یطیروا الی أوج عظمتک السامیه و فضاء عزتک العالیة و ینشرحوا بالطافک الباقیه و یستنیروا بأنوارک الساطعة رب أنهم کأسا کان مزاجها کافورا و اجعل لهم من عین التسنیم نصیبیا موفورا و اخرج لهم ککابا یلقوه منشورا و اعقد لهم لواء منصورا و ابن لهم عند عرشک العظیم بیتا معمورا و اجعل کل واحد منهم سیدا و حصورا حتی ینشروا آثارک فی الآفاق و یظهروا أنوارک فی أم العراق و یعلوا کلمتک الی ملکوت الاشراق و تتوقد نار محبتک فی قلوب اهل الاشتیاق و ینحدر الدموع علی الخدود کالسیول من الآماق رب انعم صباحهم و أنز مصباحهم و املا أقداحهم و رنج أرواحهم انک أنت المقتر العزیز الوهاب و انک أنت الکریم اللطیف البر الرؤف المنان

ای یاران عبدالبهاء قوه اشراق از نیر آفاق شرق و غرب را بمرکت آورده عالم آفرینش آرایش یافته و خالق جدید گردیده ندای سبحان ربی الأبهی از خاور بلند شده و آهنگ یا بهاء الأبهی از باختر گوش زد هر هوشمند گشته السن جمیع ملل بذکر اسم اعظم ناطق و بظهور جمال قدم مخبر قومی در نهایت سرور مستبشر و حزبی در موارد آثار متحیر و جمعی غافل و منکر در هر انجمن ذکر اسم اعظم متداول و این بشارات از ملکوت آیات در عروق و شریان امکان متواصل پس یاران الهی و احبای حقیقی و دوستان معنوی باید شب و روز گلبانگ یا بشری و یا طوبی باوج اثر رسانند زیرا آن نفوس مستشرق از مجلی طور گشتند و لمعه نور مشاهده نمودند و نصیب موفور بردند و بشکرانه این الطاف باید دمبدم آهنگ جدید بلند کنند و مانند نهنگ دریای محبت الله بجوش و خروش آیند تا بقوه کلمة الله المطاعة غبرا جنت ابهی گردد و روی زمین بهشت برین شود و طاوس علین شهر تقدیس گشاید و در کمال تزیین جلوه فرماید ظهور این موهبت بخلوص یارانست و انجذاب دوستان و فرح و مسرت وجدان چندیست که نغمات ورقا از آن ایکه بقا بسایر بلدان نرسیده



ORIGINAL

بلبل گلشن توحید را گلبانگ ربانی لازم و ستاره فجر تقدیس را سطوع نور آسمانی واجب شمع افروخته روشن است و پروانه سوخته شاهد هر انجمن یاران را جذب و وله لازم و دوستان را وجد و طرب واجب سمع عبدالبها دائماً مترصد تا از چه اقلیمی الحان بدیع رسد و از چه کشوری نغمات جانپور مسموع آید اگر سرور این دل و جان را خواهید چنان نغمه و آوازی بلند کنید که اهل ملاً اعلی باهتر از آیند و سکان ملکوت ابی همدم و همراز گردند و علیکم التحية و الثناء (ع

(ع